

سیروس شمیسا

گزینۀ اشعار

(۱۳۵۹-۱۳۹۷)



آشعارات فروغی

سرشناسه:	شمیسا، سیروس، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور:	گزینۀ اشعار (۱۳۹۷-۱۳۵۹) / سیروس شمیسا
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۲۰۴ ص.
شابک:	978-964-191-783-0
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع:	Persian poetry - 20 th century
رده‌بندی کنگره:	PIR ۸۱۲۳
بندی دیویی:	۸۱۴/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۵۶۸۰۴۵۰



کتابخانه ملی ایران

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵
 دفتر: ۰۸۶۶-۶۶۴۰۴۶-۶۶۴۱۴۰۴۶-۶۶۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
 - <https://telegram.me/morvaridpub> <https://instagram.com/morvaridpub>
 تخفیف و ارسال رایگان: www.morvaridpub.com

گزینۀ اشعار

سیروس شمیسا

تولید فنی: الناز ایللی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

چاپخانه: هوران

تیراژ ۴۴۰

شابک: ۷۸۳-۱۹۱-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-191-783-0

۳۷۰۰ تومان

عناوین شعرها

پیش گفتار ۷

وزن های پاییزی خواب / ۱۱

- باران حرف‌هایت را گم کرده‌ایم ۱۳
شبنم چوین ۱۶
خسرو خوبان ۱۷
با اولین برفی که بارید ۱۹

چهل شعر / ۲۱

- من و ابر ۲۲
کسی با دویستی نمی‌خفت ۲۳
گل‌دان یاس خانه را ۲۴
قلاووز ۲۸
صدا کن مرا ۲۹
سفر کن ۳۰
سکوت ۳۱
همین جا بمانیم ۳۳

سه منظومه / ۳۹

- ۴۱..... که خشکید؟
 ۴۳..... سایه
 ۴۶..... برای تو شعری نگفتم
 ۴۸..... زمستان فردا
 ۵۱..... برای تو کاری نکردم
 ۵۳..... فراموش کردم
 ۵۵..... پایان نداشت
 ۵۶..... عصر تعطیل چرخ و رکاب
 ۵۸..... بدی مثل توییست
 ۶۰..... جاده
 ۶۴..... تیر به

کهن جامه / ۶۷

- ۶۹..... جاده‌ها سخن داری
 ۷۰..... امید پایانم که هست
 ۷۲..... بی من
 ۷۴..... نامه
 ۷۵..... بخیره در تو دمیدم من
 ۷۶..... گرچه پوسید غلافم به دی و بهمن‌ها
 ۷۸..... «یک نفر آمد»
 ۸۰..... برقرار

زندگانی قدیمی‌ست / ۸۳

- ۸۵..... دوبار
 ۸۶..... فرصتی کو؟
 ۸۸..... بهار دروغینتان را فراموش کردم
 ۹۰..... بگو خواب هستم
 ۹۲..... صدا کن مرا

۹۴.....	تاریخ خونین این باغ.....
۹۶.....	در جهات من آشوب بارید.....
۹۸.....	های جارو!.....
۱۰۰.....	حافظه من پُرسست از گل سوسن.....
۱۰۱.....	به من چه؟.....
۱۰۳.....	آدمی یک سفال قدیمی ست.....
۱۰۵.....	بامداد.....
۱۰۷.....	زمستان هشتاد و پنج.....
۱۰۹.....	من ها و بادها.....
۱۱۱.....	زندگی پیرمردی است.....

اخبار باغ های بزرگ / ۱۱۳

۱۱۵.....	نیست پایانم هنوز.....
۱۱۷.....	زارزار بخند.....
۱۱۹.....	می ریزیم و می ریزیم.....
۱۲۱.....	باغ رویاهام نیست.....
۱۲۳.....	هرچه می تپید ترا.....
۱۲۴.....	در انتظار سحر.....
۱۲۶.....	آلوجه دار کوچه ما گل داد.....
۱۲۸.....	خودش بود.....
۱۳۰.....	تو رودکی را ای ماهرو کنون بینی.....
۱۳۲.....	اشتباهش بود.....
۱۳۴.....	چون غنچه های گلدان.....
۱۳۶.....	یک حضور.....
۱۴۱.....	کمی جای فومن.....
۱۴۳.....	پائیز پدرسالار.....
۱۴۵.....	رفت.....
۱۴۷.....	در شگفتم.....
۱۴۸.....	دیدن نداشت.....
۱۵۰.....	یک اتفاق نادر.....

تاریخ باد/ ۱۵۳

۱۵۵	نگو هیچ کس نیست
۱۵۷	زندگی مثل یک جوی آب است
۱۵۸	آن که می خندد
۱۶۰	این شکایت ندارد
۱۶۲	جماهير بارانی عشق
۱۶۳	بیخشای بر من
۱۶۴	روی ایوان رؤیا و ماه
۱۶۶	جهان
۱۶۸	آسی رانه با نیست
۱۷۰	مرغ
۱۷۲	عروین رمانی اصل ها
۱۷۴	باز یک نور دیگر
۱۷۶	هرچه را خواب
۱۸۰	با خودم فکر کردم

تاریخها/ ۱۸۳

۱۸۵	آرزو
۱۸۷	من همان سیروس دیروزم
۱۸۹	تجدید مطلع
۱۹۰	میراث بارانی
۱۹۲	بهشتم را
۱۹۳	در جاده های سیل
۱۹۴	چون حباب حسرتی

۱۹۸	فهرست الفبایی مصراع های اول
-----	-----------------------------

پیشگفتار

انتخاب شعرها قاعدهٔ باید معیار، داشته باشد، مثلاً ذوق و پسند خوانندگان (اما کدام صنف از خوانندگان؟ دانشجویان؟، مکاران؟ خوانندگان عادی؟...) یا پسند و ذوق خود شاعر، پسند نمودن قصاید و قطعات من هم بوده است که به شیوهٔ قدما سروده‌ام و در آن‌ها تلذحات و اشارات مرسوم در ادب سنتی بسیار است و به اصطلاح فضایی است که - در برای اهل فن ممکن است لطفی نداشته باشند و لذا جز یکی دو نمونه بیشتر نیاورده‌ام. البته شاعران اکثر سروده‌های خود را دوست دارند، معروف است که «شعر مفتون» باینه و شعره (آدمی شیفته فرزند و شعر خود است!). ذوق و پسند خوانندگان هم متفاوت است و هرکسی به سببی شعری را می‌پسندد و دیگری را نه. تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کرد، بیشتر شعرهایی را که کسانی دوست داشتند و به مناسبتی به من گفته بودند آوردم. بدین ترتیب روش گزینش شعرها التقاطی بوده است.

سلیقه من این بود که شعرهای نو و شعرهایی که در قوالب سنتی است از هم مجزاً و در دو بخش تدوین شوند (چنان‌که کتاب‌های شعر من به این صورت چاپ شده‌اند). به هر حال، حال و هوای اشعار نو و کهن با هم متفاوت است. اما ناشر در طرح کتاب‌های گزیده اشعار اسلوب دیگری داشت. در روزگار نوجوانی من اکثر شاعران نوپرداز از سرودن و مخصوصاً از انتشار اشعار سخن خود پرهیز داشتند، چنان‌که در مجموعه آثار سپهری حتی یک شعر هم در قوالب سنتی نیست. فروغ در تولدی دیگر چند شعر (عالی و درخشان) در قوالب سنتی آورده است، اما جالب است که در مصاحبه‌ی، از او بازخواست می‌کنند که چرا چنین کرده است! باری یاد دارم که همکاران من در مورد استادی می‌نفتند: «حرب این سخنان او را در دفاع از ادبیات معاصر نخورید، از آن سیاهکارها سراسر رفتی». خانه می‌رود پنهان قصیده می‌گوید! من وقتی با حقوقی تنها بودم او برایم فعلاً از قصاید خود می‌خواند اما هیچ‌وقت (جز به ندرت) آن‌ها را چاپ نکرد. البته با گذشت زمان این خط‌کشی بی‌مورد از میان رفت و شاعران بسیاری (مثلاً ابران، سایه، خوئی، شفیع کدکنی...) در هر دو اسلوب، اشعار خود را چاپ و نشر کردند. حقیقت این است که به لحاظ نقد ادبی شعر یا خوب است یا بد، رفر، چه نه باشد و چه نو فرقی نمی‌کند.

در این گزینه، گاهی در اشعاری که در کتاب‌های پیشینم آمد، اندکی دخل و تصرفی کرده‌ام. کسانی که کتاب‌های قبلی را دارند می‌توانند اصلاحات را وارد کنند.

شعرها از کتاب‌های زیر انتخاب شده‌اند:

۱. وزن‌های پائیزی خواب، آشتیانی، ۱۳۶۳

۲. چهل شعر، ویسمن، ۱۳۷۰

۳. سه منظومه، فردوس، ۱۳۷۴
۴. کهن جامه، فردوس، ۱۳۷۹
۵. زندگانی قدیمی ست، علم، ۱۳۸۸
۶. اخبار باغ‌های بزرگ، میترا، ۱۳۹۲
۷. تاریخ باد، میترا (زیر چاپ)، ۱۳۹۷

چند شعر هم که هنوز در مجموعه‌یی نشر نشده، در این گزینه آمده است.

سیروس شمیسا

بهمن ۱۳۹۷